

ظهور فرقه حروفیه و تأثیرات فکری و سیاسی آن در اصفهان

دکتر سید احمد عقیلی استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

فضل الله نعیمی استرآبادی در قرن هشتم هجری آیینی را پی نهاد که هر چند از اندیشه های فرق دیگر متأثر بود، به نوبه خود در شکل گیری اندیشه ها و جریان های دیگر اثرگذار گردید. افکار و اندیشه های حروفیه مورد توجه شخصیت های سیاسی و علمی روزگار خود و جریان های سیاسی و فکری دوران پس از خود واقع شد. اصفهان از جمله شهرهایی بود که از موقع مطرح شدن اندیشه های فضل الله نعیمی بستر مناسبی جهت رشد و نشر اندیشه های حروفیه گردید. حروفیه در این شهر توانست هم به لحاظ علمی مورد توجه اهل زمانه قرار گیرد و هم تأثیرگذار در جریان های فکری پس از دوران تیموری واقع شود. به لحاظ سیاسی نیز توانست در حرکت های سیاسی داخل و خارج از حوزه های جغرافیایی ایران تأثیرگذار گردد. این مقاله ضمن مطالعه موردی حضور حروفیه در اصفهان، به بررسی تأثیرات فکری و سیاسی آنان در تاریخ ایران می پردازد.

واژگان کلیدی: فضل الله استرآبادی، اصفهان، علی الاعلی، سیدصائن الدین تُرکه، حروفیان.

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۸

E-mail:seyedahmad.aghili@yahoo.com

مقدمه

فرقه حروفیه را از آن جهت به این نام خوانده اند که برای حروف الفبا ویژگی‌های معجزه آسا و شگفت‌آوری قابل بودند. این گروه گر چه ظاهراً به وسیله فضل‌الله نعیمی استرآبادی در سده هشتم هجری در ایران شکل گرفت، اما دارای ریشه‌های عمیق در مذاهب و دیگر ادیان عالم بود. چنانکه در میان مسلمانان از صدر اسلام گرایش‌هایی برای پیدا کردن معنا و مفهوم و یا تفسیر «حروف مقطعه» قرآن مجید بروز نموده بود. هر چند بیشتر مفسران قرآن این حروف را رازهایی میان پروردگار و پیامبر او دانسته اند، حتی شماری از مفسران نیز ادعا کرده اند از معانی دقیق حروف، معانی و مفاهیم آن آگاه شده و به رمزهای آن پی برده اند که یکی از آنها مؤسس فرقه حروفیه فضل‌الله نعیمی است. وی فردی باتقوا و پرهیزگار بود تا آنجا که او را «حلال‌خور» لقب داده اند. سیر و سیاحت‌های او در بلاد اسلامی مهم است. بنا بر گفته برخی منابع وی در اصفهان ادعا کرد که معنی باطنی و حقیقی حروف و کلمات قرآن بویژه حروف مقطعه بر او آشکار شده و از آن زمان اساس تفسیرهای خود را بر تفسیر حروف نهاد. وی قرآن را با روش تازه‌ای تفسیر کرد: معتقد بود فرد برای درک معانی واقعی قرآن باید با خواص رموز و معانی حروف آشنا گردد و در این رهگذر معانی تازه‌ای برای آیات قرآن و گفته‌های پیامبر اسلام (ص) بیان کرد. فضل‌الله اعتقاد داشت که خداوند متعال در شخص انسان متجلی می‌شود. خصوصاً در صورت او، زیرا که (خلق الله الادم علی صورته) و این مظاهر الهی در اولیا و انبیا ظهور می‌کند که در صدر آنها محمد بن عبدالله (ص) خاتم انبیا و بعد از او علی (ع) و ائمه - علیهم السلام - و پس از ائمه او خود را مظهر الوهیت و خاتم اولیا می‌دانست (ادوارد براون، ۱۳۵۷، ج ۳: ۵۰۶).

تعالیم دینی فضل پیرامون انواع دوگانه ظهور الهی قابل توجه است. خداوند خویشتن را یکبار در طلعت آدم که به صورت و مثال خودش آفریده شده بود، متجلی ساخت و پس از خلق آدم به فرشتگان فرمان داد تا در برابر او به سجده افتند. به این ترتیب انسان در این اندیشه عنصر مرکزی است. از طرف دیگر خداوند در کلام خویش؛ یعنی قرآن و در اسمای موجودات پدیدار گشته است (هلموت ریتز، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۳۲۲-۳۲۳). به این لحاظ در اندیشه حروفیه توجه به انسان و انسان‌گرایی از اهمیت خاصی برخوردار است. این اندیشه از ابعاد مترقیانه محورهای فکری حروفیه می‌باشد که امروزه به آن لفظ «اومانیزم» اطلاق می‌شود. ادوارد براون در اهمیت این فرقه می‌نویسد: ((این مذهب از آن جهت قابل توجه و شایسته مطالعه است که نه تنها مبادی و تعالیم عجیبه و ادبیاتی وسیع ایجاد کرد بلکه اشعار بسیاری نیز به فارسی و ترکی به جای گذاشت، بلکه از لحاظ حوادث عظیمی که به وجود آورد

دارای اهمیت تاریخی است و عقوبت‌ها و شدا بد بسیار از یک طرف و قتل و کشتارهای زیاد از طرف دیگر، به واسطه بروز این عقیده واقع شد. گرچه پیروان آن ظاهراً در ایران دوام نیاوردند، لکن از خاک ایران تجاوز کرده در کشور ترکیه محیط‌مساعدی برای ترقی و تکامل خود پیدا کردند» (ادوارد براون، همان: ۳۲۳). در مورد این بُعد فکری حروفیه که در اهل علم زمانه خویش تأثیرگذار بوده و در واقع روشنفکران آن عصر را متأثر از تعالیم خود نموده، در ادامه مطالبی خواهد آمد. این جریان فکری عمده را بخصوص در مورد بزرگان علمی اصفهان می‌توان مشاهده نمود. به همین جهت در ادامه مقاله به معرفی برخی از بزرگان علمی این شهر که متأثر از تعالیم حروفیه بودند، پرداخته خواهد شد و از این رهگذر به تأثیرات این فرقه در جریان‌های فکری پس از آن دوره اشاراتی خواهد شد. از آنجایی که دربارهٔ تحولات مذهبی اصفهان در دورهٔ تیموریان تحقیق مستقلی صورت نگرفته، در این مقاله به بازسازی و ترسیم فضای مذهبی اصفهان در برههٔ زمانی حضور حروفیه در این شهر می‌پردازد. مقاله به طرح مسایل، فرضیات و سؤالات جدید پرداخته و از این رهگذر لزوم تأمل بیشتر در زوایای مختلف تاریخ محلی را در پژوهش‌های بعدی فراهم می‌نماید. محدوده تاریخی مقاله حاضر از دوره اواخر حضور سلسله آل مظفر در اصفهان به سال ۷۵۹ هجری قمری آغاز و به قیام حروفیان در اصفهان در سال ۸۳۵ ادامه می‌یابد و در دو بُعد به ارایه و تحلیل مطالب می‌پردازد: در بُعد سیاسی اوضاع و احوال شهر در این برهه زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به سکوت و یا قلت اخبار در این مورد با روش استدلالی به بازسازی نقاط تاریک و مبهم این جریان سیاسی و فرهنگی در اصفهان پرداخته شده و در بعد فرهنگی نیز سه مسأله مورد توجه قرار گرفته است: اول اقداماتی که فضل‌الله حروفی در اصفهان انجام داد. دوم شخصیت‌هایی که متأثر از اندیشه‌های حروفی بودند و سوم تأثیرات فکری که این فرقه در دوران خویش و پس از آن داشته است.

این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات می‌باشد که وضعیت اصفهان مقارن حضور حروفیان در شهر به چه صورتی بوده؟ حروفیان چه عملکردی در قبال اوضاع سیاسی داشته‌اند؟ اصفهان تا چه اندازه در بروز اندیشه‌های مؤسس فرقه حروفیه (فضل‌الله استرآبادی) زمینه مساعد داشته؟ و آیا در اصفهان مؤلفه‌هایی برای ادامه تفکر حروفی وجود داشته است؟ واکنش تیمور و جانشینانش در مقابل حرکت حروفیان در اصفهان به چه صورت بوده؟ چه اندیشه و نظراتی را فضل‌الله در اصفهان از خود بروز داد؟ تأثیرات اندیشه‌های حروفی در این شهر بیشتر زمینه سیاسی داشته و یا در زمینه فکری و علمی بوده است؟ آیا این جریان در شکل‌گیری مکتب فلسفی اصفهان عصر صفویه مؤثر بوده است؟ مقاله در چهارچوب یک پژوهش تاریخ محلی، به بازشناسی و توجه مجدد به

اندیشه‌های حروفیان پرداخته و تأثیراتی را که این جنبش در بعد سیاسی و فرهنگی در تحولات تاریخی دوره تیموری و پس از آن از خود به جای نهاده مورد بررسی قرار می‌دهد.

اوضاع سیاسی و اجتماعی اصفهان مقارن حضور حروفیان

اصفهان از جمله شهرهایی بود که فضل و حروفیان در آن فعالیت چشمگیر داشتند. سفرهای فضل به شهرهای مختلف ایران با هجرت به اصفهان آغاز شد. احتمالاً وی در حوالی سال ۷۵۹ قمری در اصفهان بوده است (فصیحی خوافی، ۱۳۴۹، ج ۳: ۲۶۲) در این روزگار اصفهان شهری بزرگ و پر نعمت بود. چنانکه به گفته حمدالله مستوفی بهترین میوه‌ها از اصفهان بر می‌خاست و به بلاد دیگر صادر می‌شد. در جایی دیگر از صدور خشکبار و کشمش از اصفهان و سایر شهرهای جنوبی به سرزمین‌های دور دست نظیر آسیای میانه در روم، هندوستان و چین اشاره می‌نماید (مستوفی، ۱۳۵۶: ۴۹). شهرداری مدارس، بازار، مساجد، خانقاه‌های فراوانی بود. گزارش منابع نشان از رونق اقتصادی شهر داشته چنانکه از حضور اصناف و جمعیت‌ها در حیات اجتماعی و اقتصادی شهر سخن به میان آمده است. ابن بطوطه که همین ایام از اصفهان و شیراز دیدن نموده در این خصوص می‌نویسد: ((هر دسته از پیشه‌وران اصفهانی رئیس و پیش‌کسوتی برای خود انتخاب می‌کنند که او را ((کلو)) می‌نامند. دسته‌های دیگر هم که اهل صنعت و حرفه هستند، به همین نحو روسایی برای خود برمی‌گزینند. جوانان این شهر نیز جمعیت‌هایی دارند و بین هریک از گروه‌های آنان با گروه‌های دیگر رقابت و همچشمی برقرار است. مهمانی می‌دهند و هرچه می‌توانند در این مجالس خرج می‌کنند و محفلی عظیم با انواع غذاهای مختلف فراهم می‌آورند)) (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۱۲-۲۱۱). یکی از محلات معروف اصفهان در این زمان ((طوقچی))^(۱) بود که در نزدیکی قلعه طبرک^(۲) قرار داشت. فضل در ایام اقامت در اصفهان در این محله ساکن بود. از لحاظ سیاسی از سال ۷۵۸ هجری به بعد شهر در دست آل مظفر بود. امیر مبارزالدین محمد مظفری شهر را در این سال از دست شیخ ابواسحاق اینجوگرفت و جزومتصرفات قلمرو حکومتی خود کرد. در همین ایام جهانگشای دیگری از سوی شرق شهرها را یکی پس از دیگری در نوردید و پس از یورش‌های متعدد به سرزمین‌های شرقی ایران، رو به سوی اصفهان نمود. تیمور در دو مرحله وارد اصفهان شد. اول از همه امیر مظفر کاشی (حاکم اصفهان) همراه خواجه رکن‌الدین صاعد و سایر اکابر و اعیان به استقبال او شتافتند و شهر را به او تسلیم کردند. تیمور یک عده از ماموران خود را در اصفهان قرار داد تا مالیات جمع کنند و خود راهی

حومه شهر شد. ماموران تیمور به سخت گیری در اخذ مالیات پرداختند و به جان و مال و ناموس مردم تعرض نمودند. این اعمال به قیام مردم اصفهان در سال ۷۸۹ قمری به رهبری شخصی به نام «علی کچه پا» و کشته شدن عمال تیموری به دست قیام کنندگان انجامید. تیمور از این حرکت بسیار خشمگین شد و دست به یکی از بی سابقه ترین کشتارهای تاریخ در این شهر زد. به تصریح منابع حدود هفتاد هزار نفر از مردم اصفهان قتل عام شدند (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۱: ۳۱۲؛ میر خواند، ۱۳۵۸، ج ۶: ۱۵۶). حافظ ابرو که خود ناظر بر این کشتار بوده می نویسد:

((در آن ایام در خدمت مولانا شهاب الدین عبدالله لسان منجم، از دروازه طوقچی تا قلعه طبرک که یک نصف دیوار است از بیرون شهر در آن روز می گذشتیم. مناره ها که از سر برآورده بودند شمردیم، بیست و هشت منار بود. هر مناری در یکدیگر از هزار سر زیاده بود و به دو هزار نمی رسید. تخمیناً در یکدیگر به یک هزار و پانصد می توانست گرفت که چهل و دو هزار سر باشد اطراف دیگر نیز بود)) (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۶۷). نکته قابل توجه اینکه در ملفوظات تیموری آمده که اکثر خروج کنندگان اصفهان ((رافضی)) بودند که تیمور ((آنان را به دوزخ)) فرستاد! همین نکته حکایت از شرکت شیعیان در قیام های علیه تیمور دارد (کامل الشیبی، ۱۳۵۹: ۱۶۳-۱۶۰). هدف از نقل این واقعه مشهور تاریخی تحلیل ریشه های شکل گیری آن است. ذکر این نکته مهم به جاست که یکی از مهم ترین زمینه های رشد و اقبال توجه عامه به اندیشه های غالبانه در دوره میانه تاریخ ایران اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن دوره بوده است. با توجه به مضامین به کار رفته در این حرکت ها که عدالت اجتماعی و ظلم ستیزی را سر لوحه رویه و رفتار خویش قرار می دادند، جای درنگ و تامل وجود ندارد که این اندیشه ها در مردم به خوبی جایگاه خویش را باز نموده و رهبری و هدایت آنها را علیه نظام سیاسی حاکم بر عهده گرفته اند. اندیشه حروفیان و حرکت آنان در اصفهان نیز از این رهگذر قابل بررسی و تحلیل می باشد. اصفهان پس از آن واقعه تامتت ها روی خوش به خود ندید. این کشتار در اُفت شهر بسیار موثر بود. پس از مرگ تیمور شهر اصفهان بین اعقاب او دست به دست گشت و در این میان بازنده اصلی مردم اصفهان بودند که گاه و بیگاه گرفتار قحط و غلامی شدند (فصیحی خوافی، ۱۳۴۹، ج ۳: ۲۰۲) این قحط و غلامی نتیجه جنگ های خانگی اعقاب تیمور (امیر زاده اسکندر و امیرزاده رستم و امیر زاده خلیل سلطان) بود. پس از مدت ها هرج و مرج، شاهرخ حکومت اصفهان را به رستم پسر عمر شیخ (پسر تیمور) واگذاشت و او را والی آنجا ساخت. رستم تا سال ۸۲۸ ه. ق. حاکم اصفهان بود و در این سال در گذشت. امیر عبدالصمد پسر امیر حاجی سیف الدین اختیار دار اصفهان شد. امیر عبدالصمد در دستگاه شاهرخ نفوذ زیادی داشت. در سال ۸۳۰ ه. ق. ماجرای کارد خوردن

شاهرخ به دست احمد لر حروفی رخ داد که مبین آغاز عملیات حروفیان علیه تیموریان بود (سمر قندی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۵۸۳). پنج سال بعد حروفیان اصفهان نیز شوریدند و وقایعی را پدید آوردند که می‌بایست به حضور حروفیان در اصفهان نیز توجه نمود.

فضل الله حروفی در اصفهان و بازتاب اندیشه های وی:

حضور و بروز اندیشه های فضل در اصفهان از نکات قابل تأمل می‌باشد. اولین حضور فضل در اصفهان در سال ۷۵۹ قمری بود. در همین سفر بود که اولین اندیشه حروفیگری فضل آشکار گردید. فضل در این مدت به رویا فرو می‌رفت و خواب‌هایی را می‌دید و پس از بیداری به تعبیر آن می‌پرداخت. از این زمان به بعد است که شخصیت وی با خواب دیدن و خوابگزاری مطرح شده و از معبران معروف می‌شود. اصولاً خوابگزاری هسته مرکزی فعالیت‌های او را تشکیل می‌داد و اهمیت خود را در دوره‌های بعد هم داشت (هلموت ریتز، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۳۳۹) اصفهان در این زمان در دست امیر مبارزالدین محمد مظفری بود. بدون تردید عدم ثابت سیاسی شهر در این زمان از عوامل تشدید افکار صوفیانه در میان بزرگان و عامه شهر بود. در هر گوشه‌ای از شهر بساط درویشی و خانقاه گسترده شده بود. چنانکه ذکر شده است وقتی فضل برای گردش به کنار زاینده رود رفته بود در اویشی را می‌دید که به سماع می‌پرداختند (همان: ۳۳۴). شواهد دیگر از همین دوره تاریخی، نظریه تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری این اندیشه‌ها را تأیید می‌کند؛ به عنوان مثال اصفهان این دوره شاهد حضور عرفا و صوفیه و فعالیت‌های آنها بود که منابع از آن نام برده‌اند. برای نمونه از با رکن الدین بیضاوی شیرازی متوفی ۷۶۹ قمری نام برده شده است. وی صاحب اثر ارزشمند ((فصوص الفصوص)) در شرح فصوص الحکم محی الدین عربی می‌باشد (اقبال، ۱۳۲۴، ش ۴: ۵۶) با نگرشی به این اثر و اندیشه‌های مطرح شده در آن می‌توان قرابت‌هایی را در اندیشه‌های وی با اندیشه‌های فضل مشاهده نمود. چنانکه ملاحظه می‌شود فضل در برخی از اندیشه‌هایش از کتاب فتوحات المکیه ابن عربی متأثر شده است (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۵۶).

بابارکن الدین نیز خودشراح یکی از مهم‌ترین آثار ابن عربی است (اقبال: همان) به این لحاظ اندیشه‌های عرفانی ابن عربی در این دوره نزد وی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. سفر دوم فضل به اصفهان در سال ۷۷۲ ق. صورت گرفت که در این سفر نیز در محله طوقچی مقیم گشت و در همین جا بود که افراد دیگری پیرو او شدند. از معروف‌ترین آنها نصر الله نافجی نویسنده خوابنامه می‌باشد

(هلموت ریتز، همان: ۳۳۷-۳۳۶) یکی از وجوه بارز اندیشه های حروفی توجه به مسأله خواب و استفاده از این جریان در پیشبرد مقاصد سیاسی بود. خوابگزاری فضل در اصفهان شایع شد و مردم از هر طبقه و گروهی راهی محضر او می گشتند؛ علما، سادات، وزرا، قضات و نظامیان برای تعبیر خوابشان به نزد او می شناختند.

فضل اثری دارد به نام نومنامه که در آن خواب هایی را که خود دیده به زبان استرآبادی نوشته و گاه از تاریخ خواب ها نیز صحبت کرده است. یکی از خواب ها که می توان در آن به افکار و عقاید فضل آگاه شد، چنین است: ((در خواب دیدم بحث می رفت که همه اشیا مظهر آدم است یا آدم مظهر همه اشیا است؛ یعنی می گفتم که همه چیز را در آدم بنمود یا آدم را در همه چیز)) (صادق کیا، ۱۳۴۰: ۲۳۹). قبل از فضل، اسماعیلیه در مسأله خواب بسیار سود جسته و آن را وارد آیین خود کرده بودند. شاید این اندیشه فضل متأثر از اسماعیلیه بوده باشد. البته مسأله مربوط به نقل و تعبیر خواب و رویاهای غریبه و توجه به مسأله ولایت و مراتب تجلی و ظهور ربوبیت، از جمله چیزهایی است که در نزد ابن عربی و خصوصاً در کتاب فتوحات المکیه او مطرح است و چنانکه اشاره شد فضل را با این نوع نوشته ها آشنایی نزدیکی بوده است (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۵۶).

عنصر تاویل هم از جمله مقولاتی بود که پایگاه ویژه ای در آیین اسماعیلی داشت و فضل در این حوزه آنقدر غورنموده بود که نزد پیروانش به ((صاحب تاویل)) معروف گشته بود (گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۵). به این ترتیب خواب در نظر فضل اهمیت دینی داشت و یکی از منابع معرفتی وی بود. او می دانست که باوفات حضرت محمد -صلی الله علیه وآله و سلم- باب وحی مسدود شده، ولی باب رویاهای صادقانه به روی بندگان خدا گشوده است. از این گذشته، انسان با خواب می تواند به دنیای پس از مرگ نیز آگاه شود. احتمال دارد همین خواب ها موجب شده که فضل قبل از تمامی اندیشه هایش، ادعای مهدویت را مطرح نماید (هلموت ریتز: ۳۴۴). ارتباط بین خواب و ادعای مهدویت را در همان منبع الهام به غیب که حروفیه بر آن تأکید داشت می توان توجیه و تفسیر نمود. سفر سوم فضل پس از سال ۷۷۸ قمری بود. در این سفر فضل در غاری در نزدیکی شهر اقامت گزید. مسأله عزلت گزینی در غار ها در این ایام در بین بعضی از عرفا معمول گردیده بود. چنانکه از شیخ حسن جوری (رهبر جناح شیخیان نهضت سر بداران) در همین ایام نام برده شد که در غار ابراهیم نزدیک شهر نیشابور اقامت گزیده بود. شاید سنت غار نشینی نمود و سمبلی از غار حرا باشد که اولین وحی الهی در آنجا به پیامبر نازل شد (آژند، ۱۳۶۹: ۱۶-۱۵) در این سفر فضل برخی از پیروانش نیز همراه او بودند. وقتی که فضل برای مدتی از نظرها غایب شد، علی الاعلی یکی از مریدان سرسخت فضل و سراینده کرسی نامه در

خصوص این غیبت موقت فضل شعرهایی سرود که قابل توجه است (صادق کیا، ۱۳۴۰: ۲۸۶) پس از آن علی الا علی دوباره نوشت که درویشی در حال احتضار به فضل مژده داد که همان است که ((نشان پاک ذات کبریا)) دارد و اکنون ((وقت ظهور کبریا ست)) (ریتز، //: ۲۱) فضل با این خبر در اصفهان دعوت آشکار کرد و هفت نفر از اعیان خود را بر گزید تا در چهار گوشه جهان اسلام به دعوت بپردازند و مردم را به آیین جدید فرا خوانند. به این ترتیب شهر اصفهان مکان و مأمن امنی جهت شکل گیری ورشد اندیشه های حروفیه گردید. همان گونه که اشاره شد اوضاع سیاسی و اجتماعی اصفهان هنگام حضور فضل نیز از عواملی بود که سبب شد حروفیان در آن فعالیت چشمگیر داشته باشند. فضل پس از ظهور آیین خود، مدت زیادی در اصفهان نماند و برای دعوت هر چه بیشتر به سفر پرداخت و به سمت خراسان رهسپار شد. در آنجا تیمور را به آیین خود دعوت نمود، اما تیمور نپذیرفت. کمی بعد بعضی از علمای سمرقند او را تحریک به قتل فضل کردند (آژند، ۱۳۶۹: ۲۱). سرانجام در سال ۷۹۶ قمری فضل به دستور تیمور توسط پسرش میر انشاه به قتل رسید. گولپینارلی در کتاب خویش شعری دارد که به سال قتل فضل اشاره می کند:

...چون به پنجاه و شش رسیدش سال	گشت راهی به سوی ملک ابد
در النجه ز دست ساقی دور	خورد جام شهادت سرمد
روز آدینه بود و ذی القعدة	نود و شش فزوده بر هفتصد
لعنت ایزد و ملائک باد	به کسی کو سبب شد اندرید

(گولپینارلی، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۲)

محمد علی تربیت می نویسد: ((در روز پنج شنبه سادس ذیقعدة ۷۹۶ قمری امیران شاه پسر سیم امیر تیمور به حکم پدرش، فضل الله را از شروان احضار کرده و به فتوای علمای عصر مقتولش ساخت و به پاهای او ریسمان بسته، در کوچه و بازار گردانیدند و قبرش اکنون در الگای النجق نخجوانست)) (تربیت، ۱۳۱۴: ۳۸۷).

قیام حروفیان در اصفهان:

پس از قتل فضل الله حادثه ای در ۸۳۰ ق. برای شاهرخ تیموری اتفاق افتاد که منجر به برخورد سخت تیموریان با این فرقه گردید. واقعه کارد خوردن شاهرخ از احمدلر از لحاظ سیاسی - اجتماعی در اقدامات وی تاثیر زیادی داشت. پس از این ماجرا شاهرخ دست به اقداماتی زد که گویا در ارتباط

مستقیم با خواسته ها و آرمان ها و برداشت های جماعت حروفیان و سایر گروه های دیگر که خواستار عدالت اجتماعی و اقتصادی بوده باشد. تردیدی نیست که حروفیه در افکار و آرای اجتماعی خود صحبت از عدالت اجتماعی داشته اند. تمامی نهضت های این دوره (تأقرن دهم هجری) چنین آرمانی را به پیروان خویش تعلیم می دادند. از این رو اقدامات تیموریان (بخصوص شاهرخ) بازتابی از این آرمان ها و خواسته هاست (آژند، همان: ۲۷). شاهرخ دستور داد تا در ممالک محروسه خیرات و میرات روان کنند و امنای دولت را مجبور ساخت تا گرداگرد شهرها و نواحی مختلف برآیند و ((فقرا و ضعفاو ارامل و ایتام را نسخه کرده، مجموع را به صلوات و صدقات ملحوظ و محفوظ گردانند)) و نیز فرمانی صادر کرد تا در ((ممالک محروسه به تفحص حال مظلومان و تدارک کار افتادگان پردازند و اغنیا به ساختن کاریچارگان قیام نمایند)) و همچنین به امرای بزرگ و ارکان دولت تکلیف کرد ((تا آنها نیز به داد درمندگان برسند و دقیقه ای در بذل صدقات اهمال نورزند)) (سمر قندی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۵۹۱) ولی این اقدامات فایده ای نداشت. زیرا چندی بعد حروفیان در اصفهان قیام کردند و حادثه آفریدند.

به هر حال، درباره قیام حروفیان در اصفهان اطلاعات کافی وجود ندارد و آنچه در دست است بسیار مختصر و مجمل می باشد. طبق اشاره منابع در سال ۸۳۵ ق.، حاجی سرخ، یکی از پیروان فضل، در اصفهان که در راس تعدادی از حروفیان اصفهان قرار داشت، همراه جمعی از پیروان فضل در اصفهان قیام کرد و دو پسر امیر عبدالصمد (حاکم اصفهان) را به قتل رسانید. امیر عبدالصمد یکی از امرای بزرگ شاهرخ تیموری بود که در اکثر سفرها و اقدامات جنگی شاهرخ در کنار وی قرارداد داشت. حسن روملو یادآور شده: ((مردمان قلعه (اصفهان) با ایشان [حاجی سرخ و یارانش] محاربه کرده و ایشان را گرفته و حاجی سرخ را پوست کندند)) (روملو، ۱۳۴۹، ج ۱: ۲۰۲). منظور از مردمان قلعه، نه مردم کوچه و بازار و رعایا، بلکه ماموران و عمال شاهرخ تیموری بوده است (همان: ۱۶۲) معلوم نیست خود عبدالصمد هم در این واقعه کشته شده و یا اینکه در همین زمان فوت کرده است، زیرا که صاحب مجمل فصیحی در ذیل و قایع سال ۸۳۵ قمری به فوت وی اشاره می کند (فصیحی خوافی، ۱۳۴۹: ۲۷۰). علت و زمینه این قیام را چنان که قبلا نیز اشاره شد در اوضاع نابسامان سیاسی - اجتماعی شهر اصفهان و بروز آن را در قضیه سوء قصد احمد لر به شاهرخ می توان جستجو کرد.

تأثیرات فکری و سیاسی حضور حروفیه در اصفهان:

به موازات حوادث سیاسی ناشی از حضور حروفیه در اصفهان می‌بایست به تأثیرات فکری آنان نیز توجه نمود. شاخص‌ترین نمونه که می‌توان تأثیرات فکری یک جریان را در آن مورد ارزیابی قرار داد، توجه به اندیشه‌ها و آثار بزرگان متأثر از آن جریان است که با مطالعه اندیشه‌های آنان می‌توان تأثیرگذاری یک حرکت را بهتر درک نمود. در نگرش به حضور و بروز حروفیه در اصفهان، توجه به احوال علما و بزرگان آن دوره که گرایش‌های منتسب به این تفکر را داشتند، ضروری است. با ذکر دو نمونه از چهره‌های شاخص اصفهان در این دوره به تأثیرات فکری فرقه حروفیه در این نوشته پرداخته خواهد شد.

الف) سید صائن الدین علی ترکه:

صائن الدین علی بن محمد بن ترکه اصفهانی از علمای برجسته شهر اصفهان بود. جد او سید محمد ترک و اصل آنان از خجند است. از این رو به ((ترکه)) معروف اند. صائن الدین در علوم معقول و منقول، تصوف، علوم قدیمه و غریبه چون علم نقطه و حروف و اعداد و جفر و مانند آن ماهر و در این باب آثار و نوشته‌هایی دارد که بر استادی وی گواه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۱۴۷۴-۱۴۷۳). در سال ۸۳۰ هجری، صائن الدین به هنگام سوء قصد احمد لر، به اتهام حروفی‌گری مورد حمله قرار گرفت و دشمنانش وی را به همدستی با احمد لر متهم ساختند. شرح چگونگی گرفتاری او به تفصیل در منابع تاریخی و ادبی آمده است (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۲۲۹). خود صائن الدین در این باره می‌نویسد: ((هرکس روزی سلامی بدین فقیر کرده بود، روی سلامت ندید. همه را به تعذیب گرفتند و خانه را مهر کردند. بنده را در قلعه به جایی محبوس داشتند و هیچ آفریده را نمی‌گذاشتند که پیش این فقیر آید...)). (همان: ۲۳۳-۲۳۲).

سید صائن الدین علی ترکه را به علت گرایش و نزدیکی با حروفیه دستگیر و مدت چند سال در حبس انداختند و پس از چند سال در ۸۳۵ قمری در گذشت (فصیحی خوافی، همان: ۲۷۰) در مورد این که وی واقعاً اندیشه‌های حروفی داشته یا نه به جرأت نمی‌توان اظهار نظر نمود. آنچه مهم است طرح مسأله ارتباط وی با حروفیه در آن مقطع زمانی برای این شخصیت علمی می‌باشد که حکایت از دو نکته قابل تأمل دارد: اول آن که بی‌شک اندیشه‌های حروفیان پیرامون توحید، تفسیر قرآن، راز و رمز حروف، تأکید بر زبان فارسی در نگارش رساله‌ها، تلفیق اعتقادات زمانه^(۵) (خصوصاً میان تشیع و

تصوف اسلامی) بین اهل علم آن زمان جاذبه‌هایی را داشته است و نمی‌توان از این حقیقت چشم پوشی نمود. چه بسا که در آثار صائِن الدین ترکه این توجه را می‌توان مشاهده نمود. نکته دوم نقش مهمی است که صائِن الدین ترکه در شکل‌گیری مکتب فلسفی اصفهان بر عهده دارد. در تحلیل این دو نکته توضیح بیشتر ضروری می‌نماید:

در مورد نکته اول، صائِن الدین دارای تألیفات گوناگون به زبان فارسی و عربی است. با نگاه به برخی از آثار وی می‌توان به آشنایی و قرابت فکری اش با اندیشه‌های حروفی پی برد. از میان تألیفات گوناگون او (به زبان عربی) در رابطه با اندیشه حروفی می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱) کتاب مفاحص در علم حروف و اعداد مبتنی بر بیان توحید

۲) رساله بانیه در اعداد و حروف و جفر

۳) رساله محمدیه در الفاظ و حکم قرآن و کشف اسم محمد، مطابق مشرب حروفیان

از تألیفات فارسی او نیز:

۱) رساله سئوال الملوک در علم حروف و اعداد بنام میرزا با یسنقر

۲) رساله نقطه در معنی: انا النقطة التي تحت الباء (دهخدا: ۱۴۷۴ - ۱۴۷۳).

البته وی رسایلی نیز در زمینه تصوف دارد که از ذکر آن صرف نظر می‌شود. ذکر این تعداد از رسایل نیز تنها به منظور بیان رابطه و تأثیر زمانه زندگی او در نگارش افکار موجود عصرش می‌باشد. حال این سؤال در ذهن پژوهشگر تداعی می‌شود که آیا حروفیان را می‌توان به عنوان جریان‌های که زمینه‌ساز جریان‌های فکری و فلسفی دوران بعد از خودشان بودند به شمار آورد؟

۱- در پاسخ به این سؤال طرح نکته مهم دیگری ضروری است و آن در مورد جایگاه و تأثیرات فکری صائِن الدین ترکه در اندیشه اسلامی است. به جرأت می‌توان گفت از لحاظ فلسفی بعد از خواجه نصیر الدین طوسی مهم‌ترین حلقه ارتباط بین ملا صدرا و سهروردی و بوعلی سینا، شخصیت مؤثر و رسایل پر مغز خواجه صائِن الدین ترکه است. چنانکه اشاره شد وی در علوم نقلی و علوم غریبه تسلط فراوان داشت. با خواص اعداد و فلسفه فیثاغورث در قلمرو ریاضیات کاملاً مانوس بود. این جوانب فکری او در سیر حکمت در دوران بعدی تأثیر داشت و حکما و فلاسفه دوران صفویه مانند میرداماد و ملاصدرا بی‌شک از آثار او بهره فراوان برده‌اند (ترکه اصفهانی، ۱۳۵۱).

به این لحاظ صائن الدین با اندوخته‌های فکری خود که متأثر از روزگار و زمانه خویش بوده آغازگر حرکتی گردید که میراث آن توسط میرداماد و ملاصدرا شکوفا گردید. از ویژگی‌های نوشتاری صائن الدین، علاقه او به نوشتن آثارش به زبان فارسی است. وی در زمینه گسترش فلسفه اسلامی در ایران به زبان فارسی تقریباً چهل رساله نوشت که از تلفیق نهایی بین مکاتب مشائی، اشراقی و عرفانی که در قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی توسط ملاصدرا صورت پذیرفت، خبر می‌دهد (نصر، ۱۳۸۳: ۱۱۵) به طور خلاصه با نگرش بر آثار صائن الدین ترکه سه خصیصه عمده را می‌توان بر آثار وی بر شمرد: اول تمایل به ترکیب مکاتب مختلف اسلامی که بدان اشاره شد. دوم وارد نمودن تفکرات فلسفی بر جریان تصوف که این جریان از مدت‌ها قبل از وی توسط اندیشمندان اسلامی صورت گرفته بود و یکی از ویژگی‌های حیات فکری عصر ایلخانی به بعد همین جریان مهم می‌باشد (کامل الشیبی، ۱۳۵۹: ۹۴-۸۹). نزدیکی اندیشه‌های فلسفی صائن الدین به تصوف که در رسائل او به خوبی نمایان است از این رهگذر قابل تحلیل و بررسی است. نکته آخر جایگاه علمی در مسائل خواجه در فلسفه اسلامی است. اهمیت آثار وی به زبان فارسی در نگارش‌های فلسفی چنان است که آثار او یکی از مجموعه‌های مهم فلسفی به زبان فارسی قبل از دوره صفویه محسوب می‌شود.

ب) علی الاعلی:

همانگونه که در بُعد فکری به شخصیت خواجه صائن الدین اشاره شد. در بُعد سیاسی ادامه جریان و تأثیر حروفیه به دوران بعد را می‌توان در بررسی اقدامات یکی از خلفای پرشور فضل الله مشاهده نمود. یکی از شخصیت‌های مهم در ترویج و تبلیغ اندیشه‌های حروفی علی الاعلی بود که اهل اصفهان بوده است. وی نقش مهمی در گسترش و تبلیغ این آیین در خارج از ایران داشت. شیخ ابوالحسن اصفهانی معروف به علی الاعلی و ملقب به خلیفه الله و وصی الله در نوزده سالگی در اصفهان به خدمت فضل رسید و هنگام قتل وی ۴۲ ساله بوده است. علی الاعلی از خلفای برجسته فضل و کسی است که اسرار جاودان نامه و عرش نامه و محبت نامه (سه اثر فضل) را تفسیر کرد. وی جاودان نامه را در سال ۸۰۱ ه. ق. به نظم کشید. او یکی از دختران فضل را به زنی داشته، داماد فضل محسوب می‌شده است (هلموت ریتز، همان: ۳۶۹-۳۶۸). علی الاعلی مامور سرزمین روم (آسیای صغیر آناتولی) شد تا آیین حروفی را در آنجا منتشر کند. وی به این موضوع در کرسی نامه اشاره دارد:

.... من فرستادم کتاب کردگار سوی روم از شام نیکویاد دار
 بیشتر از من کسی در مرز روم از کلام حق نکرد آباد بوم

گرچه از اخوان زمن رفتند پیش
لیکن اول می فرستادم کتاب
با برادر بعد از آن تا ایل لاز
باکبار و با صغار آن دیار
از خدا چون محرم راز آمدم
تا کنند اظهار این آئین و کیش
تا زاستنبول بگذشت او ز آب
سیر می کردیم ومی گفتیم راز
راز حق گفتیم بی ترس آشکار
از وراء النهر هم باز آمدم

(همان: ۳۸۸)

و باز جای دیگری خود را علی بنده فضل خوانده و محل خویش را روم یاد کرده است:
از علی آن بنده ی فضل الله کشف شد در روم این تاریخ و راه

(همان: ۳۸۹)

علی الاعلی در نشر افکار حروفی در دیار روم با مشقاتی روبرو شد. مشکلات او از صاحبان قدرت و مدعیان شریعت ناشی می شد. چنانکه گاهی علی الاعلی را به حد عصیان و آشفتگی کشانده و به مبارزه مسلحانه سوق می داد:

گر به دست آریم ما یک روز تیغ
ای خوشا آنان که از فضل خدا
نیست چیزی بهتر از قتل عدو
تا آنجا که می گوید:

گر دهد دستت که دست آری بتیغ
گر بر ایشان شمه ای رحم آوری
شکر حق گوئیم و گرنه صد دریغ
عذرها خواهند از تقصیر ما
پیش فضل حق بحق ذات او

(همان)

علی الاعلی آثار نوشتاری زیادی داشته که در توسعه و نشر افکار و آرا حروفی بسیار موثر بود. کرسی نامه را در سال ۸۱۰ ق. سرود و در آن اندیشه های حروفیگری را بسط و گسترش داد. این کتاب در زمان قرايوسف ترکمان به پایان رسید.

از دیگر آثارش بشارت نامه است که در سال ۸۰۳ ق. در بحر رمل سروده است. توحید نامه مثنوی دیگر اوست که در بحر رمل است که به نام یک نفر جوان شیرازی (علیشاه) سروده است. وی مثنوی

دیگری به نام قیامت نامه دارد. یک کتاب نثر نیز به نام محشرنامه دارد. تمامی آثار او در توسعه و ترویج تعالیم حروفی تالیف و تدوین شده است (همان: ۳۶۹).

علی الاعلی جاودان نامه فضل را از سوره تا ادرنه فرستاد و همراه برادر خود به سرزمین ایل لاز در طرابوزان سفر کرد. او همراه عده دیگری از حروفیان، اندیشه های حروفی را در آسیای صغیر پراکنده و آن را وارد طریقت بکتاشی کرده است. به این لحاظ می توان نقش این شخصیت در تأثیر و ادامه حیات حروفی پس از دوره تیموریان را دریافت. از این رهگذر می توان به ادامه حرکت حروفیه در حوزه جغرافیایی خارج از مرزهای ایران در دوره پس از مرگ فضل آگاه گردید. چنان که حروفیه توانستند در فرقه بکتاشی در آناتولی نفوذ و آنان را متاثر از اندیشه های خود نمایند. طبق استناد به منابع تاریخی علی الاعلی به تکیه حاجی بکتاش در آناتولی در آمده و در آنجا عزلت گزید و جاودان نامه را به جای تعالیم حاجی بکتاش به بکتاشیان تعلیم داد. ((بکتاشیان راز این حقیقت را در نیافتند و مطالب جاودان نامه را به عنوان تعالیم خویش پذیرفتند)) (براون، ۱۳۸۵، ج ۲۶: ۲۰۹). از این لحاظ، اقدام علی الاعلی در تبلیغ و گسترش حروفیه در آناتولی موثر بود. اگر چه حروفیان در تبلیغات خود در آسیای صغیر شکست خوردند با اینحال عقاید آنها در خانقاه بکتاشیان نفوذ یافته بود (ریتز: ۳۹۰).

نکته‌ای که در مورد حروفیان در دوره علی الاعلی شایان توجه است آن که جنبه تبلیغی و ترویجی این حرکت پس از قتل فضل وارد مرحله جدیدی شد. به این معنی که برخلاف دوره فضل که اندیشه نزدیکی به حکام تیموری ایران مورد توجه بود، اکنون سیاست دشمنی با آنان مطرح می‌گردید و مهم تر آنکه این اندیشه ها در خارج از ایران از اقبال بیشتری بر خوردار گردید. هدف از بیان اقدامات این دو شخصیت آن بود که در چهارچوب یک مطالعه موردی حضور حروفیه در اصفهان به تأثیر و تداوم اندیشه های فکری حروفیه در دوره بعد از تیموریان پرداخته شود. به این ترتیب چنانکه اشاره شد حروفیه مورد توجه اهل علم زمانه خود بودند. به تأثیر پذیری آنان از اسماعیلیه اشاره گذرا شد. آنان از رسائل اخوان الصفا که به نوبه خود حلقه‌ای از تاریخ فن حروف و ارقام در اسلام بوده، متأثر بودند (کامل الشیبی: ۲۲۷). حروفیه در بحث کمالات انسانی عقایدی به مانند اخوان الصفا داشتند. لذا می‌توان گفت حروفیه توانست به درآمیختگی اندیشه های مختلف اعم از تشیع، تصوف در سیر حرکتی خود بپردازد و به عنوان کلام آخر آن که این فرقه آن قدر نیروی حیات داشت که حتی پس از مرگ

بنیانگذار و سرکوبی پیروانش توانست در فرقه‌ها و اندیشه‌های دیگر نفوذ کند که رد پای آن را در فرقه بکتاشیه در خارج از ایران و در داخل ایران در حرکت نقطویه، بابیه و بهائیه می‌توان مشاهده نمود.

نتیجه

اصفهان شهری بود که در نظر حروفیان مکانی امن جهت ظهور و بروز آیین حروفی تلقی می‌شد و پس از فضل نیز اندیشه‌های وی به شدت و قوت در این شهر هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ علمی و فکری اثر آفرین بود. هر چند در منابع درباره حضور این فرقه در اصفهان و عملکرد سیاسی فرهنگی آن اطلاعاتی به دست نیامده، ولی دقت و تامل در آنچه تاریخ نگاری‌ها به دست می‌دهد به رهیافت بیشتر محقق در بازسازی نقاط مبهم این جریان سیاسی و مذهبی خواهد انجامید. به لحاظ سیاسی اصفهان این دوره یکی از آشفته‌ترین دوران تاریخی خود را سپری کرده و همین امر در رشد و گسترش اندیشه‌های گوناگون از جمله حروفیه موثر بوده است. به لحاظ فرهنگی نیز حروفیان توفیق یافتند با جذب نخبگان علمی زمانه خویش در شکل‌گیری و گسترش اندیشه‌های فلسفی که چند دهه بعد به ظهور رسید، تأثیرگذار گردند. آنان توانسته‌اند نظر علما و بزرگان این دوره را به سمت خود جلب نمایند. چنان که در آثار و نوشته‌های بزرگان این دوره تأثیر اندیشه‌های حروفی به خوبی قابل بررسی است.

به طور خلاصه در جمع‌بندی نهایی از پژوهش حاضر این نتایج و نظریات حاصل گردید:

- ۱- آشفتنگی سیاسی در رشد اندیشه‌های غالبانه شهر و متعاقب آن قیام و قتل عام مردم اصفهان در ۷۸۹ قمری مؤثر بوده است. اصفهان یکی از شهرهایی بود که فضل‌الله استرآبادی (مؤسس فرقه حروفیه) در آن اندیشه‌های خود را آشکار نمود و از آن به بعد بود که فعالیت‌های خود را گسترش داد.
- ۲- به لحاظ سیاسی و فکری حروفیه هم در اصفهان و هم در خارج از اصفهان در دوره تیموریان و در دوره بعد از تیموریان تأثیرگذار بوده‌اند. در بُعد سیاسی در داخل شهر، نیز حروفیان در قیام مردم اصفهان در دوران شاهرخ تیموری نقش بسزا و مؤثری داشته‌اند. در خارج از محدوده جغرافیایی اصفهان نیز حروفیان موفق گردیدند که اندیشه‌های خود را به آناتولی گسترش دهند.
- ۳- در بُعد فکری نیز تأثیر اندیشه‌های حروفی را می‌توان در آثار بزرگان علمی این دوره مشاهده نمود. بدون تردید مقدمات و زمینه لازم برای ایجاد مکتب فلسفی غنی اصفهان عصر صفوی را می‌بایست در

دوره قبل از صفویه جستجو نمود. به این لحاظ از تأثیرات این جریان در دوران های تاریخی بعد نمی بایست غافل گردید.

۴- در بعد فکری نیز تأثیر اندیشه های حروفی را می توان در آثار بزرگان علمی این دوره مشاهده نمود. بدون تردید مقدمات و زمینه لازم برای ایجاد مکتب فلسفی غنی اصفهان عصر صفوی را می بایست در دوره قبل از صفویه جستجو نمود. به این لحاظ از تأثیرات این جریان در دوران های تاریخی بعد نمی بایست غافل گردید.

منابع

- ابن بطوطه (۱۳۵۹ش.) *سفرنامه*. ترجمه محمد علی موحد. جلد ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آزند، یعقوب (۱۳۶۹ش.) *حروفیه در تاریخ*. نشر نی. چاپ اول. تهران.
- اقبال، عباس (۱۳۲۴ش.) *بابا رکن الدین وقبر او*. مجله یادگار. ش ۴.
- براون، ادوارد (۱۳۸۵ش.) *نوشته های حروفیان*. ترجمه عطاء الله حسینی. فرهنگ ایران زمین. ج ۲۶. تهران: انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۵۷ش.) *تاریخ ادبی ایران*. ترجمه علی اصغر حکمت. جلد سوم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- تربیت، محمد علی (۱۳۱۴ش.) *دانشمندان آذربایجان*. تهران: مطبوعه مجلس.
- ترکه اصفهانی، صائن الدین (۱۳۵۱ش.) *چهارده رساله*. مقدمه سید حسین نصر. به تصحیح سید علی موسوی و سید ابراهیم دیباجی. ناشر شریف رضایی. چاپ اول. تهران.
- حافظ ابرو (۱۳۸۰ش.) *زبدۀ التواریخ*. جلد ۲. به تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خواندمیر (۱۳۵۳ش.) *حبیب السیر*. جلد ۳. تهران: انتشارات خیام.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش.) *لغتنامه*، ((مقاله صائن اصفهانی)). جلد ۱۰ چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲ش.) *آثار ملی اصفهان*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- رو ملو، حسن (۱۳۴۹ش.) *احسن التواریخ*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. جلد ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ریتر، هلموت (۱۳۸۵ش.) ((آغاز فرقه حروفیه)). ترجمه دکتر حشمت مؤید. جلد دهم. فرهنگ ایران زمین. تهران: انتشارات سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲ش.) *دنباله جستجو در تصوف ایران*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- سمر قندی، عبدالرزاق (۱۳۵۳ش.) *مطلع سعدبن ومجمع بحرین*. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران.

- فصیحی خوافی (۱۳۴۹ش.) *مجمل فصیحی*. به تصحیح محمود فرخ. جلد سوم. مشهد.
- کامل الشیبی، مصطفی (۱۳۵۹ش.) *تشیع و تصوف*. ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کتبی، محمود (۱۳۶۴ش.) *تاریخ آل مظفر*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کیا، صادق (۱۳۴۰ش.) *واژه نامه گرگانی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۶ش.) *فهرست متون حروفیه*. چاپ اول. تهران: انتشارات بدر.
- مستوفی، حمدالله (۱۹۱۳م.) *نزهة القلوب*. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابخانه طهوری.
- ملک الشعراى بهار (۱۳۴۹ش.) *سبک شناسی*. جلد ۳. تهران: کتابهای پرستو.
- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۷۳ش.) *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. جلد دهم. تهران.
- میر جعفری، حسین (۱۳۷۸ش.) *(بورش های شاهرخ تیموری به اصفهان)*. فصلنامه فرهنگ اصفهان. شماره ۱۳.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳ش.) *سنت عقلانی اسلامی در ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات قصیده سرا.
- هنر فر، لطف الله (۱۳۵۰ش.) *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان: انتشارات ثقفی.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۳۶ش.) *ظفر نامه*. جلد ۱. تهران.